



بررسی فضایل حضرت علی علیه السلام

و مسأله امامت

(حدیث غدیر خم)

مریم معینی‌نیا - پژوهشگر

نکرد. تاریخ اسلام سرشار از فداکاریها و شجاعتها و دلاوریهای آن حضرت است. تمامی این فضایل و نیز کسب مقام دامادی پیامبر صلی الله علیه و آله که حاکی از علاقه و محبت ایشان بود، بدون شک حسادت برخی را برانگیخت؛ اینان تا زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله، جرأت علنی کردن دشمنی و حسد خود را نداشتند؛ اما پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، دشمنی های پنهان، آشکار و علنی گشت. حوادث تأسف انگیز تاریخ اسلام پس از رحلت نبی اکرم صلی الله علیه و آله از جمله مسأله جانشینی و خلافت رسول خدا و خانه نشین کردن بیست و پنج ساله حضرت علی علیه السلام، گواه این مطلب است؛ لذا کتمان حقایق و فضایل حضرت علی علیه السلام از سوی مخالفان و معاندان وی، امری طبیعی و بدیهی بود. در این میان، تلاش مورخان با انصاف و بدون غرض، در ثبت فضایل و ذکر روایات در خصوص ایشان، قابل تقدیر است. هرچند که فشار سیاسی حکومتهای وقت، مانع از ذکر

کلیدواژه‌ها:

امامت، علی بن ابی طالب علیه السلام،

فضایل علی علیه السلام، کتب تاریخ، سیره

در کتب تاریخ اسلام، ماجرای خشکسالی و سختی و تنگدستی ناشی از آن در قبیله قریش ذکر شده^۱ و آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و عمویش عباس تصمیم گرفتند به خاطر کمک به ابوطالب، دو تن از فرزندان وی را نزد خود آورده از آنها نگهداری کنند؛ پس پیامبر صلی الله علیه و آله علی علیه السلام، و عباس و جعفر را انتخاب کرد. حضرت علی علیه السلام تا زمان بعثت، در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله بود. بعضی از مورخان، این امر را از الطاف الهی بر حضرت علی علیه السلام شمرده‌اند.^۲

علی علیه السلام در سایه همنشینی و همنفسی با پیامبر صلی الله علیه و آله و تحت توجهات و تعالیم ایشان، دوران رشد و بالندگی خود را با کسب فضایل معنوی و اخلاقی از سیره نبوی طی کرد. این امر پس از بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز ادامه داشت؛ لذا ایشان به عنوان اولین مرد مسلمان، پشت سر پیامبر به نماز ایستاد و در تمام مراحل نبوت، یک لحظه از یاری و پشتیبانی رسول خدا سستی و غفلت

چکیده:

در سال مولای متقیان حضرت علی علیه السلام و در این نوشتار، به بررسی فضایل و نقش تاریخی امام علی علیه السلام در دوران صدر اسلام و بخصوص مسأله امامت از منظر سه منبع معتبر تاریخ اسلام (سیره ابن هشام، تاریخ طبری و تاریخ ابن اثیر) می‌پردازیم. این فضایل و نقش تاریخی حضرت، در سه مرحله زمانی (از کودکی امام تا بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله، از دوران بعثت تا هجرت پیامبر و از دوران هجرت تا رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله) مورد پژوهش و تطبیق قرار گرفته است.

نتیجه بررسی حاضر، دستیابی به پاسخ این سؤال است که آیا مورخان مذکور همه حقایق مربوط به علی علیه السلام را نوشته‌اند یا نه؟ و اگر نتوانسته‌اند، چرا؟ به احتمال قریب به یقین محدودیت‌های سیاسی - عقیدتی، مورخان منابع مذکور را، از ذکر بعضی حقایق تاریخ اسلام باز داشته است.

(۱) السیره النبویه، ابن هشام، ج ۱، ص ۲۴۶؛

الکامل فی التاریخ، ابن اثیر، ج ۲، ص ۸۷۳

(۲) الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۸۷۳

تمامی حقایق می‌شد.

فضایل علی علیه السلام از دوران کودکی تا بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله

در این مرحله از تاریخ زندگانی علی علیه السلام، آنچه را که مورخان اسلامی در کتب سیره ابن هشام، تاریخ طبری و تاریخ ابن اثیر به عنوان فضیلتی برای علی بن ابی طالب علیه السلام آورده‌اند، ذکر مسلمان شدن وی به عنوان اولین ایمان آورنده به آیین محمدی صلی الله علیه و آله است که به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱- علی علیه السلام نخستین مرد ایمان

آورنده به پیامبر صلی الله علیه و آله

ابن هشام ابتدا از اسلام حضرت خدیجه یاد کرده است،^۱ سپس مسأله نزول نماز و پس از آن، از اسلام امام علی علیه السلام سخن گفته است.^۲

طبری در خصوص اسلام آوردن علی علیه السلام آورده است: بعضی ها گفته‌اند نخستین مردی که به پیامبر خدا ایمان آورد، علی بن ابی طالب بود؛ از ابن عباس روایت کرده‌اند که اول کسی که با پیامبر نماز کرد علی بود و از جابر نیز روایت کرده‌اند که پیامبر به روز دوشنبه مبعوث شد و علی به روز سه شنبه نماز کرد. ابو حمزه گوید: از زید بن ارقم شنیدم که گفت اول کسی که به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ایمان آورد، علی بن ابی طالب بود.^۳ طبری سپس روایتهای مختلفی را از کلبی، ابن اسحاق و دیگران در مورد اسلام آوردن علی علیه السلام، پس از خدیجه آورده است.^۴

ابن اثیر این موضوع را چنین روایت کرده است: «دانشوران درباره نخستین کسی که به اسلام گرایید، اختلاف دارند؛ گرچه

همداستان هستند که خدیجه نخستین آفریدگان خدا بود که به اسلام گروید. برخی گفتند: نخستین مردی که اسلام آورد، علی بن ابی طالب بود. ابن اثیر در ادامه روایت، گزارشی از حضرت علی علیه السلام ذکر کرده که ابن هشام و طبری به آن اشاره‌ای نکرده‌اند. در این گزارش علی علیه السلام فرموده است: من بنده خدا و برادر پیامبر او هستم و پس از من هرکه خود را چنین خواند، دروغگو و دروغ پرداز باشد. هفت سال پیش از سایر مردمان، آغاز به نماز خواندن با پیامبر خدا کردم.^۵ ابن اثیر در ادامه به تقلید از شیوه طبری، به ذکر سایر روایتهای در این خصوص پرداخته است.

۲- نماز گزاردن حضرت علی علیه السلام با

پیامبر در دره‌های مکه

ابن هشام در این روایت از حضور علی علیه السلام در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان تنها همراه در خواندن نماز، در دره‌های مکه، سخن می‌گوید. یکبار ابوطالب آن دو را دیده و از آیین جدیدشان می‌پرسد، علی علیه السلام دین اسلام را شرح می‌دهد و از وی می‌خواهد که آن را بپذیرد. ابوطالب اظهار می‌دارد که نمی‌تواند از دین پدرانش جدا شود، با این حال اطمینان می‌دهد اقدامی که او را ناراحت کند، از وی سر نخواهد زد. در ادامه، ابن هشام روایتی دیگر آورده است که در خاتمه آن ابوطالب به علی علیه السلام می‌گوید: پسر، پیامبر خدا تو را جز به راستی و درست‌ی و خیر نمی‌خواند، همواره با او باش.^۶

طبری در این مورد، مطلبی را ذکر نکرده است، اما ابن اثیر مانند ابن هشام، مساجرای نماز خواندن علی علیه السلام با

پیامبر صلی الله علیه و آله را در دره‌های مکه و مساجرای دیدار ابوطالب و سخن آنان را آورده است.^۷

از نمونه حذفهای محافظه‌کارانه در سیره ابن هشام، حادثه جالبی است که در بخش اندکی از سیره ابن اسحاق که در دست است، وجود دارد و طبری و ابن اثیر نیز آن را از ابن اسحاق و دیگران آورده‌اند. این روایت چنین است که غنیم بن قیس کندی می‌گوید: در عصر جاهلیت به مکه آمده بودم و می‌خواستم برای خانواده‌ام عطر و لباس بخرم؛ در مکه به دیدار عباس بن عبدالمطلب که تاجر بود، رفتم. محل ملاقات ما، همان محل اجتماع معمول مردم مکه، یعنی مسجد الحرام بود. ما در جایی نشسته بودیم که می‌توانستیم کعبه را مشاهده کنیم. هنگامی که آفتاب بالا آمد و روز به نیمه رسید، جوانی به صحن مسجد الحرام آمد، بعد از اینکه به آسمان نگرست، رو به سوی کعبه ایستاد، اندکی بعد نوجوانی به مسجد آمد و در جانب راست آن جوان ایستاد و با فاصله کمی، زنی آمد و در پشت سر آن دو ایستاد. آن جوان خم شد و رکوع کرد، نوجوان و زن هم رکوع کردند. آن جوان سر برداشت و به سجده رفت و آن دو نیز سر برداشته

(۱) السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۴۰

(۲) همان منبع، ص ۲۴۵

(۳) تاریخ طبری، ج ۳، ص ۸۶۷

(۴) همان منبع، ص ۸۵۸-۸۶۱

(۵) الکامل، ج ۲، ص ۸۷۱-۸۷۵

(۶) السیره النبویه، ج ۱، ص ۲۴۶-۲۴۷

(۷) الکامل فی التاريخ، ج ۲، ص ۸۷۳

دعوت کند. تعداد آنان از چهل نفر تجاوز نمی‌کرد چون برای بار سوم آنها را جمع کرد و غذا صرف شد، پیامبر ﷺ در جمع آنها سخن گفت و فرمود: هیچ کس از برای کسان خود، چیزی بهتر از آنچه من برای شما آورده‌ام، نیاورده است. من خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده‌ام. خدایم به من فرمان داده که شما را به سوی او بخوانم. کدام یک از شما یاور و پشتیبان من خواهد بود تا برادر و وصی و جانشین من در میان شما باشد. سکوت بر مجلس حاکم شد و هیچ کس جواب مثبت نداد. تنها علی ﷺ که از همه کوچکتر بود، از جای برخاست و پشتیبانی خود را اعلام کرد؛ و چون پیامبر سه بار این سخن را فرمود و هر سه بار علی ﷺ برخاست، دست بر گردن او گذاشت و فرمود: این برادر من، وصی من و خلیفه من در میان شماست؛ سخن او را بشنوید و فرمان او را ببرید.^۳

ذکر این حدیث، بیانگر فضیلتی دیگر برای علی ﷺ است که از همان ابتدای بعثت، آمادگی خود را برای هرگونه فداکاری در راه حمایت از رسول خدا اعلام می‌کند.

۲- ماجرای لیلۃ المبیت

ابن هشام در ابتدای خیر هجرت، به این مطلب اشاره دارد که همه اصحاب، هجرت کردند و هرکس ماند، گرفتار حبس یا فتنه شد؛ مگر علی بن ابی طالب و ابوبکر.^۴ سپس ماجرای خوابیدن حضرت علی ﷺ را در رختخواب رسول خدا ﷺ در شب هجرت ایشان به مدینه و پوشیدن جامه سبز خضری - که به دستور پیامبر

سجده کردند. من گفتم: عباس! امری بزرگ است. عباس گفت: آری امری بزرگ است! آیا می‌دانی این جوان کیست؟ گفتم: نه! گفت: او محمد بن عبدالله برادرزاده من است. آیا می‌دانی این نوجوان کیست؟ او علی برادرزاده من است. آیا می‌دانی این زن کیست؟ او خدیجه بنت خویلد، زوجه آن جوان است. برادرزاده‌ام به ما خبر داده است که پروردگار او - خدای آسمانها و زمین - به این دین که وی بدان عمل می‌کند، امر کرده است. به خدا سوگند در تمام روی زمین، جز این سه تن هیچ کس بر این دین نیست.^۱ با بررسی این روایتها در کتب سیره و تاریخ، پیشگامی حضرت علی ﷺ در ایمان به رسول خدا به عنوان اولین مرد مسلمان محرز است و جای هیچ شک و تردیدی نمی‌گذارد.

فضایل علی ﷺ از دوران بعثت تا

هجرت رسول ﷺ

۱- حدیث یوم الذار:

ابن هشام این روایت مشهور را از سیره ابن اسحاق حذف کرده و در کتاب خود نیاورده است.^۲ خلاصه روایت که در متون دیگر از جمله طبری و ابن اثیر، از ابن اسحاق نقل شده، چنین است: بعد از نزول آیه مبارکه «و أنذر عشیرتک الاقربین»، پیامبر اکرم ﷺ، علی ﷺ را که در آن زمان ۱۵ سال بیشتر نداشت، خواست و به او گفت که طعامی آماده سازد و عموم خویشاوندان را که شامل همه فرزندان عبدالمطلب، یعنی عموها و عموزاده‌ها و عمه زاده‌های پیامبر بودند،

برای محفوظ ماندن علی ﷺ از آسیب دشمنان بود - را آورده است. سپس، از هجوم کفار قریش در صبحگاه به بستر پیامبر ﷺ و دیدن علی به جای ایشان، سخن گفته است.^۵

طبری در کتابش، ماجرای خوابیدن علی ﷺ در بستر پیامبر ﷺ را بطور مشروح ذکر کرده است.^۶ ابن اثیر نیز، ضمن ذکر ماجرای لیلۃ المبیت، در خاتمه افزوده که کفار قریش، هنگامی که علی را به جای پیامبر ﷺ در بستر یافتند، او را زدند و به سوی مسجد الحرام بردند و ساعتی او را نگه داشتند، سپس رهایش کردند.^۷

هرچند هر سه مورخ مسلمان از تحلیل این واقعه و بیان فداکاری حضرت علی ﷺ در آن شب سرباز زده‌اند، اما ذکر کامل این روایت در سه منبع مورد استناد تحقیق، اهمیت اقدام علی ﷺ در شب هجرت را به عنوان یکی از فضایل خاص برای آن حضرت تصریح می‌کند. در آمالی مفید از امام چهارم ﷺ روایت شده که آیه: «و من الناس من یشری نفسه ابتغاء

(۱) البته راوی، دوران قبل از اسلام آوردن خود را می‌گوید.

(۲) ابن هشام تنها به ذکر آیه انذار بسنده کرده است (ج ۱، ص ۲۶۲)

(۳) تاریخ طبری، ج ۲، ص ۸۶۵-۸۶۷؛ الکامل، ج ۲، ص ۸۷۷-۸۷۹

(۴) السیره النبویه، ج ۲، ص ۴۸۰

(۵) همان منبع، ص ۴۸۱-۴۸۲

(۶) تاریخ طبری، ج ۳، ص ۹۱۱-۹۱۳

(۷) الکامل، ج ۲، ص ۹۲۸

مرضات الله و الله رؤف بالعباد»^۱ در شأن علی علیه السلام در ماجرای لیلۃ المبیث نازل شده است.^۲

۳- انجام وظیفه حضرت علی علیه السلام در مکه قبل از هجرت: از دیگر فضایل حضرت علی علیه السلام پس از هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه، ادای امانتها به صاحبانشان در مکه بود که رسول خدا این وظیفه خطیر را به آن حضرت واگذار کرد.^۳ ابن هشام پس از ذکر این مسأله چنین آورده است که علی بن ابی طالب سه شبانه روز در مکه ماند و پس از ادای امانتها به رسول خدا صلی الله علیه و آله ملحق و همراه او بر کثوم بن هدم وارد شد.^۴ وی بیش از این مطلبی نیاورده و به همسفران علی علیه السلام در این سفر اشاره‌ای نکرده است.

طبری و ابن اثیر نیز دستور پیامبر صلی الله علیه و آله را برای بازگرداندن امانتهای مردم آورده‌اند؛^۵ اما مانند ابن هشام از سایر افرادی که همسفر علی علیه السلام در هجرت به مدینه بودند، نام نبرده‌اند؛ در حالی که روایت شده، یکی از دلایل تسوقف پیامبر صلی الله علیه و آله در محله قبا، ورود علی علیه السلام و آوردن فرزند رسول خدا همراه خود بوده است. آن حضرت، زمانی که مشغول باز گرداندن امانتهای مردم از سوی رسول صلی الله علیه و آله خدا بود، نامه‌ای از ایشان دریافت کرد که به همراه فواطم (فاطمه علیها السلام)، فاطمه بنت اسد - مادر آن حضرت - و فاطمه دختر زبیر بن عبدالمطلب، ام ایمن و فرزندش ایمن و جمعی از ضعفای مکه به مدینه هجرت کند.^۶ سپردن اهل بیت به علی علیه السلام، نشان دهنده اعتماد و اطمینان کامل پیامبر صلی الله علیه و آله

به حضرت و آگاهی از انجام مأموریت توسط ایشان است که متأسفانه ابن هشام، طبری و ابن اثیر از ثبت آن دریغ ورزیده‌اند؛ اما ابن اثیر در ادامه ماجرای هجرت علی علیه السلام به مدینه آورده است: علی بن ابی طالب چون به مدینه رسید، هر دو پای وی شکافته شده بود. پیامبر صلی الله علیه و آله علی را خواست و چون به او گفتند نمی‌تواند راه برود، به نزد وی آمد، او را در آغوش فشرد و از روی مهربانی بر وی گریست و چون پاهای متورمش را دید، از آب دهان خود بر پاهای علی علیه السلام گذارد و پس از آن، حضرت تا روز کشته شدن از درد پا گله نکرد.^۷ این روایت، گوشه‌ای دیگر از محبت پیامبر صلی الله علیه و آله را به علی علیه السلام آشکار می‌سازد؛ این محبت تنها جنبه شخصی و خانوادگی نداشت، بلکه از این رو بود که او فردی نمونه و با فضیلت بود و خدا او را دوست داشت.

فضایل علی علیه السلام از دوران هجرت تا رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله

۱- پیمان برادری میان پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام: یکی از افتخارات ویژه حضرت صلی الله علیه و آله، انتخاب وی از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله، علی به عنوان برادر خویش در جریان مؤاخات (پیمان برادری) پس از هجرت به مدینه است. ابن هشام ضمن ذکر رخداد مؤاخات میان مهاجر و انصار، از قول ابن اسحاق، خبر عقد برادری میان پیامبر و علی علیه السلام را آورده است.^۸ در مورد این شأن علی علیه السلام، در تاریخ طبری و به تبع آن ابن اثیر، روایتی ذکر نشده و آنها این امر مهم را مسکوت گذاشته‌اند.

۲- علی علیه السلام در مقام دامادی پیامبر صلی الله علیه و آله: در تاریخ یعقوبی آمده است: وقتی علی بن ابی طالب، فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله را به سوی مدینه آورد، هنوز با او ازدواج نکرده بود و دو ماه پس از هجرت، رسول خدا فاطمه علیها السلام را به او تزویج کرد.^۹

مسلم است که حضرت فاطمه علیها السلام خواستگاران بسیاری داشت ابوبکر و عمر نیز چون خواست خود را با پیامبر صلی الله علیه و آله در میان نهادند، رسول خدا گفت که منتظر قضاء الهی است.^{۱۰} هنگامی که حضرت علی علیه السلام فاطمه را از پیامبر صلی الله علیه و آله خواستگاری کرد، رسول خدا پذیرفت و چون عده‌ای لب به اعتراض گشودند،

(۱) بقره، ۲۰۷
(۲) تفسیر المیزان، محمد حسین طباطبایی، ج ۲، ص ۱۳۵
(۳) بنگرید به: السیره النبویه، ج ۲، ص ۴۸۵
(۴) همان منبع، ج ۲، ص ۹۹۳
(۵) تاریخ طبری، ج ۳، ص ۹۱۶ و ۹۱۹؛ الکامل، ج ۲، ص ۹۲۸ و ۹۳۲
(۶) بحارالانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۱۹، ص ۶۵
(۷) الکامل، ج ۲، ص ۹۳۲
(۸) السیره النبویه، ج ۲، ص ۵۰۵ (... ثم أخذ بيد علی بن ابی طالب . فقال : هذا أخي . فكان رسول الله (ص)، سيد المرسلین و امام الممتنین و رسول رب العالمین الذی لیس له خطیر و لا نظیر من العباد و علی بن ابی طالب رضی الله عنه، اخوین).
(۹) تاریخ یعقوبی، ابن واضع، ج ۲، ص ۴۱
(۱۰) الطبقات الكبرى، محمد بن سعد، ج ۸، ص ۱۱

جنگ در احد شدت گرفت، پیامبر ﷺ زیر پرچم انصار نشست و برای علی بن ابی طالب پیام فرستاد که پرچم را پیش ببرد. در این هنگام ابو سعد بن ابی طلحه که پرچمدار مشرکان بود، علی ﷺ را به مبارزه طلبید. آن دو به نبرد پرداختند و اندکی بعد، ابی طلحه با ضربه علی مجروح شد. حضرت برای کشتن به او نزدیک نشد؛ وقتی علت را پرسیدند، فرمود: عورتش را برهنه کرد، لذا از وی گذشتم و دانستم که خدا او را خواهد کشت. ^{۱۱} همچنین آورده که رسول خدا ﷺ در احد، در حفره‌ای که دشمن کنده بود، افتاد. علی ﷺ او را یاری کرد و دستش را گرفت؛ «فأخذ علی بن ابی طالب بید رسول الله» ^{۱۲}. در پایان جنگ احد نیز پیامبر ﷺ، علی ﷺ را برای

داشت و پرچمدار بودن از فضایل اصحاب به شمار می‌آید. در جنگهای عصر رسول ﷺ، علی ﷺ به خاطر شجاعت خود، معمولاً پرچمدار سپاه اسلام بود. برخی از روایان سعی کرده‌اند این فضیلت را نادیده بگیرند. ابن اسحاق درباره پرچم سپاه اسلام در جنگ بدر می‌نویسد: دو پرچم سیاه در جلوی سپاهیان رسول خدا ﷺ بود؛ یکی با نام «عقاب» در دست علی ^۵ و دیگری در دست یکی از انصار ^۶. ابن اسحاق همچنین کشته شدن ولید بن عتبه را در جنگ تن به تن با حضرت علی ﷺ ذکر کرده، ^۷ سپس فهرست جنگجویان قریش را که در جنگ بدر به دست علی ﷺ کشته شدند، آورده است. ^۸ وی این مطلب را نیز آورده که علی ﷺ با زبیر، سعد وقاص و عده‌ای دیگر برای گرفتن خبر از حرکت قریشیان به سوی مدینه، سر چاه بدر رفتند و دو نفر را دستگیر کردند. ^۹ این امر حاکی از آن است که حضرت علی ﷺ به دستور پیامبر ﷺ، مسؤول کسب اطلاعات از مواضع دشمن بوده است. طبری نیز درباره نقش حضرت علی ﷺ در جنگ بدر، به همان مواردی که ابن هشام از ابن اسحاق، درباره پرچمداری، کشتن ولید و مسأله خبرگیری از حرکت دشمن و رفتن به سر چاه بدر آورده، اشاره کرده است. ^{۱۰} اما این اثیر، در این مورد مطلبی را ذکر نکرده است.

۳-۲- جنگ احد: ابن هشام روایت کاملی

را در مورد حضور حضرت علی ﷺ در جنگ احد ذکر کرده و آورده است: وقتی

فرمود: «ما أنا زوجه و لكن الله زوجة»، من فاطمه را به علی تزویج نکردم، بلکه خدا او را تزویج کرد.^۱

مسأله ازدواج فاطمه ﷺ با علی ﷺ امری مهم است؛ به طوری که وقت عاص بن وائل سهمی، به طعنه، پیامبر ﷺ را ابترو و منقطع از نسل خواند، خداوند سوره کوثر را در شأن و مرتبت فاطمه زهرا ﷺ نازل کرد؛ ابن اسحاق این مطلب را بدون ذکر نام فاطمه ﷺ آورده است؛^۲ بنابراین جای تعجب است که چرا مورخان چون ابن هشام، طبری و ابن اثیر - که به بسیاری از جزئیات زندگانی پیامبر ﷺ پرداخته‌اند - این مطلب را مسکوت گذاشته‌اند؟!

۳- حضور علی ﷺ در جنگهای عصر

رسول ﷺ: براساس شواهد و مدارک تاریخی، حضرت علی ﷺ در غزوات و سریه‌های صدر اسلام، نقش مؤثر و سرنوشت سازی داشته است. با بررسی اجمالی جنگها در عصر رسول اکرم ﷺ، ۲۶ غزوه رخ داد و ۳۵ تا ۴۸ سریه و مأموریت جنگی و شناسایی انجام گرفت.^۳ به نقل اکثر مورخان اعم از شیعه و سنی، علی ﷺ در همه غزوات جز «تبوک» شرکت داشت^۴، و به عنوان دومین شخصیت نظامی پس از رسول ﷺ ایفای نقش کرده است.

در این قسمت، به بررسی نقش تاریخ حضرت علی ﷺ در جنگهای صدر اسلام، از دیدگاه ابن هشام، طبری و ابن اثیر می‌پردازیم.

۳-۱- جنگ بدر: در جنگهای صدر

اسلام، پرچمدار، نقش مهم و خطیری

(۱) تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۱

(۲) السیره النبویه، ج ۲، ص ۳۹۳

(۳) صحیح مسلم، ج ۴، ص ۹۵، ۹۳: الکامل، ج ۱، ص ۶۵۲

(۴) انساب الاشراف، احمد بن یحیی بلاذری، ج ۲، ص ۹۴-۹۶: طبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۴: الکامل، ج ۱، ص ۶۵۲-۶۵۳

(۵) صحیح مسلم، مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری، ج ۴، ص ۹۳، ۹۵: الکامل، ج ۱، ص ۶۵۲

(۶) السیره النبویه، ج ۲، ص ۶۱۳

(۷) همان منبع، ص ۶۲۵

(۸) همان منبع، ص ۷۰۸-۷۱۳

(۹) همان منبع، ص ۶۱۶

(۱۰) تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۹۴۹، ۹۵۴ و ۹۵۶

(۱۱) السیره النبویه، ج ۲، ص ۷۷ و ۷۸

(۱۲) همان منبع، ص ۸۵

آگاهی از جهت حرکت لشکر قریش و مقاصد آنها فرستاد که علی علیه السلام فرمود: من در پی آنها رفتم و دیدم که قصد مکه را دارند.^۱ ابن هشام می نویسد: برخی از آگاهان به من خبر دادند که ابن ابی نجیح گفت: روز احد منادی ندا می داد: «لا سیف الا ذوالفقار و لا فتی الا علی»^۲

طبری نیز جریان نبرد تن به تن حضرت علی علیه السلام با پرچمدار مشرکان ابو طلحه - را آورده^۳ و از حملات مکرر حضرت علی علیه السلام در صحنه جنگ احد می نویسد و اینکه جبرئیل گفت: ای پیامبر خدا! از خود گذشتگی این است و پیامبر گفت: او از من است و من از اویم. جبرئیل گفت: من نیز از شمایم. گوید در این وقت بانگی برآمد که شمشیری جز ذوالفقار و جوانمردی جز علی نیست.^۴

طبری آورده: وقت مصعب بن عمیر در جنگ احد کشته شد، پیامبر پرچم را به دست علی علیه السلام داد؛^۵ و در جریان زخمی شدن پیامبر و شایعه کشته شدن ایشان، از جمله همراهان وی که پیامبر را به سمت دره احد بردند تا از دست دشمنان قریش مصون ماند، علی بن ابی طالب بود.^۶ او همچنین فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله را، در خبرگیری از حرکت دشمنان، توسط علی علیه السلام روایت کرده است.^۷

ابن اثیر در تاریخ کامل، ماجرای چگونگی حضور علی علیه السلام در جنگ احد، دلاوری وی در کشتار مشرکان قریش، ندای جبرئیل در تقدیر شجاعت علی علیه السلام در حین جنگ، پرچمداری علی علیه السلام پس از مصعب بن عمیر در احد، رسیدگی به پیامبر صلی الله علیه و آله در جریان زخمی شدن و

وظیفه تعقیب دشمنان و گزارش دادن از حرکت آن لشکر به سمت مکه را بطور کامل و شبیه آنچه که طبری آورده، روایت کرده است.^۸

۳-۳ - غزوه بنی نضیر: در السیره النبویه، ابن اسحاق خبر حرکت رسول خدا به سوی بنی نضیر را آورده و افزوده است که همراهان ایشان از صحابه، ابوبکر، عمر و علی علیه السلام بودند.^۹ او از پرچمداری علی علیه السلام در این جنگ مطلبی نیاورده است؛ اما طبری و ابن اثیر روایت کرده اند که پیامبر وقتی می خواست برای جنگ به سوی بنی نضیر برود، عبدالله بن ام مکتوم را به جانشینی خویش در مدینه گذاشت و پرچم را به دست علی بن ابی طالب داد.^{۱۰}

۳-۴ - جنگ خندق (احزاب): ابن هشام، روایت ابن اسحاق در عبور کردن عمر و بن عبدود از گوشه خندق و مبارزه طلبی او را آورده که در پاسخ به او، حضرت علی علیه السلام اعلام آمادگی کرد و در این نبرد، عبدود - جنگاور مشهور عرب - به دست علی علیه السلام کشته شد. سپس چهار بیت شعر منسوب به علی بن ابی طالب را آورده و افزوده است که بیشتر آشنایان شعر، در نسبت دادن این اشعار به علی علیه السلام تردید کرده اند.^{۱۱}

طبری و به تاسی از او، ابن اثیر نیز روایت حضور مؤثر علی در جنگ خندق و ماجرای مبارزه طلبی عبدود و نبرد تن به تن آن دو را بطور کامل آورده اند که سرانجام در این مبارزه، عبدود به دست علی علیه السلام کشته شد.^{۱۲}

از آنجا که جنگ خندق (احزاب)، از

جمله جنگهای مهم و طراحی شده از سوی جمعی از مشرکان علیه مسلمانان مدینه بود و طولانی و فرسایشی شدن آن برای هر دو گروه - کفار و مسلمانان - ملال آور شده بود؛ حضور علی علیه السلام و رشادتهای وی در کشتن سران جنگجوی مشرکان، بخصوص عبدود، تأثیر بسزایی در تقویت روحیه مسلمانان داشت و سرآغازی برای کشتار سایر مشرکان و در نتیجه شکست و بازگشت آنان به سوی مکه شد. به همین دلیل این ضربه سرنوشت ساز علی علیه السلام در جنگ خندق، برتر از عبادت جن و انس شهرت یافت، که از جمله فضیلتهای منتسب به علی بن ابی طالب است. خداوند در سوره احزاب، به برخی از رویدادهای جنگ و نیز روحیات مسلمانان و مشرکان اشاره کرده است.

۳-۵ - غزوه بنی قریظه: در مورد حضور

(۱) السیره النبویه، ص ۱۰۰

(۲) همان منبع، ص ۱۰۶

(۳) تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۱۰۲۲

(۴) همان منبع، ص ۱۰۲۶

(۵) همان منبع، ص ۱۰۲۸

(۶) همان منبع، ص ۱۰۲۹

(۷) همان منبع، ص ۱۰۳۶

(۸) الکامل، ج ۳، ص ۹۹۵-۹۸۶

(۹) السیره النبویه، ج ۳، ص ۲۰۰

(۱۰) تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۱۰۵۸؛ الکامل، ج ۳، ص ۱۰۱۱

(۱۱) السیره النبویه، ج ۳، ص ۲۳۵ و ۲۳۶

(۱۲) تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۱۰۷۵؛ الکامل، ج ۳، ص ۱۰۲۰

علی علیه السلام در غزوه بنی قریظه، یک روایت از ابن اسحاق آورده شده که گفت: رسول خدا، علی بن ابی طالب را با پرچم خود به سوی بنی قریظه فرستاد. علی علیه السلام تا نزدیک قلعه دشمن رفت و سخن زشتی از آنان درباره پیامبر صلی الله علیه و آله شنید؛ بازگشت و وقتی به رسول خدا رسید گفت: هرگز نباید از این خبیثان درگذری! رسول خدا فرمود: چرا آیا درباره من چیز بدی از آنها شنیدی؟ گفت: آری! حضرت فرمود: اگر مرا می دیدند، چیزی نمی گفتند.^۱ در روایت دیگری ابن هشام می نویسد: برخی از موثقان اهل علم برایم نقل کردند که علی بین ابی طالب، درحالی که مسلمانان، قلعه بنی قریظه را در حصار داشتند، فریاد می زد: «یا کتیبه الایمان»، آنگاه خود با زیر قدم پیش نهاد و گفت: به خدا سوگند یا مانند حمزه شربت شهادت می چشم یا قلعه شان را می گشایم. پس بنی قریظه گفتند: ای محمد، ما حکمیت سعد بن معاذ را می پذیریم.^۲

۳-۶- علی علیه السلام کاتب پیامبر صلی الله علیه و آله در جریان صلح حدیبیه: در السیره النبویه، ابن اسحاق از زهری، در مسأله نوشتن متن صلحنامه حدیبیه، از علی علیه السلام نام برده است و به دنبال آن مطلب دیگری درباره او نیآورده است. سپس از شاهدان صلحنامه یاد کرده که علی بن ابی طالب نیز در شمار آنان است؛ با این قید: «وکان هو کاتب الصحیفه».^۳

طبری نیز مسأله کتابت صلحنامه حدیبیه را توسط علی علیه السلام به فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله آورده و قید کرده است که وی از شاهدان صلحنامه بود؛^۴ اما ابن اثیر تنها

نوشتن متن صلحنامه از سوی علی علیه السلام را روایت کرده و از مورد دوم سخنی نیآورده است.^۵

۳-۷- غزوه خیبر: در السیره النبویه، ابن اسحاق خبر حرکت پیامبر صلی الله علیه و آله را به سوی خیبر آورده، اما چیزی درباره پرچمدار سپاه ننوخته است؛ ولی ابن هشام در این باره می افزاید: «و دفع الراية إلى علی بن أبی طالب رضی الله عنه و کانت بیضاء».^۶ ابن اسحاق خبر فرستادن ابوبکر و عمر را برای فتح قلعه خیبر آورده است که آنان هریک رفتند و برگشتند اما آنجا را فتح نکردند، تا آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «فردا پرچم را به دست مردی می دهم که خدا و پیامبرش را دوست دارد و خدا و پیامبرش نیز او را دوست دارند و خدا به دست او قلعه ها را فتح می کند» سپس خبر فتح خیبر و استفاده از آن را به عنوان سپر، توسط علی علیه السلام آورده است.^۷ طبری و ابن اثیر جریان فتح خیبر به دست علی علیه السلام را بطور کامل روایت کرده و نوشته اند که پس از عدم موفقیت ابوبکر و عمر در فتح قلعه یهودیان خیبر، پیامبر فرمود: فردا پرچم را به دست کسی خواهم داد که خدا و پیامبرش او را دوست دارند و او نیز خدا و پیامبر را دوست دارد. همچنین به چشم درد علی علیه السلام و بهبود آن به دست پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره کرده اند که پس از مبارزه با مرحب یهودی و هلاکت او، قلعه را فتح کرد.^۸ ابن اثیر علاوه بر طبری، از ابو رافع نقل کرده که چون خدا قلعه را به دست علی علیه السلام گشود، حضرت در قلعه را فروافکند؛ ما که هشت نفر بودیم کوشیدیم آن را از یک سو به سوی دیگر

برگردانیم، اما نتوانستیم.^۹ اخبار این مورخان در خصوص دلاوری و شجاعت علی علیه السلام در عرصه بیکار با یهودیان خیبر، بخصوص نقل جمله معروف پیامبر صلی الله علیه و آله در شأن علی علیه السلام در فتح قلعه، بیان فضیلتی دیگر از حضرت علی علیه السلام در تاریخ اسلام است.

۳-۸- سربیه ذات السلاسل: ابن هشام در مورد این سربیه آورده است: رسول خدا خبر یافت که گروهی از قضاعه، قصد غارت اموال مسلمانان را دارند؛ «عمرو بن عاص» را فراخواند و پرچم سیاهی به وی داد و ۳۰۰ مرد از بزرگان مهاجر و انصار را با او روانه ساخت؛ او وقتی نزدیک دشمن رسید و از تعداد آنان آگاه شد، از پیامبر صلی الله علیه و آله کمک خواست. رسول خدا، «ابو عبیده جراح» را با ۲۰۰ مرد فرستاد و برای وی لوایی بست و بزرگان مهاجر و انصار، از جمله ابوبکر و عمر را همراه وی روانه کرد و به او گفت که به عمرو ملحق شوند و با هم باشند و اختلاف نکنند. سرانجام آنان با جمعی از مشرکان برخورد کرده و آنها را شکست دادند و شخصی را

(۱) السیره النبویه: ج ۳، ص ۲۴۵

(۲) همان منبع، ص ۲۵۱

(۳) همان منبع، ص ۳۳۱ و ۳۳۳

(۴) تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۱۱۲۳-۱۱۲۴

(۵) الکامل، ج ۳، ص ۱۰۴۸

(۶) السیره النبویه، ابن هشام، ج ۳، ص ۳۴۲

(۷) همان منبع، ص ۳۴۹-۳۵۰

(۸) تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۱۱۴۶-۱۱۴۷؛ الکامل،

ج ۳، ص ۱۰۶۹-۱۰۷۰

(۹) الکامل، ج ۳، ص ۱۰۷۰

فرستادند تا گزارش آن سرّیه و بازگشت مسلمانان را به پیامبر ﷺ بدهد.^۱ طبری نیز مطلب را مانند ابن هشام نقل کرده است.^۲ اما بنا بر بعضی از مأخذ شیعی، کار با اعزام عمرو بن عاص به انجام نرسید و مقصود حاصل نگشت؛ بلکه پس از مأمور شدن علی ﷺ، دشمن از پای درآمد و خاطر رسول خدا و سایر مسلمانان آسوده شد؛ مطلب مهم در خصوص این سرّیه، نازل شدن سوره «عادیات» در شأن علی ﷺ است.^۳

طبری در مجمع البیان آورده: بعضی گفته‌اند سوره عادیات وقتی نازل شد که رسول خدا، علی ﷺ را به جنگ ذات السلاسل فرستاد و علی ﷺ لشکر دشمن را شکست داد و این بعد از چند نوبت اعزام افراد با لشکر به سوی دشمن بود که نتوانستند کاری صورت دهند و به نزد پیامبر ﷺ بازگشتند. در حدیثی طولانی از امام صادق ﷺ روایت شده است که از این جهت جنگ مزبور ذات السلاسل خوانده شد که علی ﷺ مشرکان را شکست فاحشی داد، عده‌ای را کشت و اسیران را در طناب به هم بست که گویی در غل و زنجیرند. وقتی این سوره نازل شد، رسول خدا از خانه به میان مردم آمد، نماز صبح را خواند و همین سوره را در نماز تلاوت کرد. بعد از آن که نمازش تمام شد، اصحاب گفتند: ما این سوره را نشنیده بودیم؛ رسول ﷺ فرمود: بله! علی بر دشمنانش ظفر یافت، خدای تعالی این سوره را فرستاد و جبرئیل امشب با آمدن آن، فتح علی ﷺ را به من مژده داد؛ چند روز بعد، علی ﷺ با غنایم و اسیران

رسید.^۴

۳-۹- نقش علی ﷺ در فتح مکه: در جریان فتح مکه، علی ﷺ از سوی پیامبر ﷺ مأموریت یافت که جاسوس قریش - زنی به نام ساره - را که قصد خبررسانی از حرکت سپاهیان اسلام را داشت، دستگیر کند. ابن اسحاق این مطلب را به نقل از سایر روایان آورده است؛ همچنین درباره ورود مسلمانان به مکه در زمان فتح آن و شعار سعد بن عباده یاد کرده که می‌گفت: «الیوم یوم الملحمة». شخصی از این سخن آشفته شد و از تمایل انصار به ایجاد درگیری با مکیان، به پیامبر ﷺ شکایت کرد؛ در نتیجه پیامبر ﷺ به علی ﷺ فرمود: به نزد سعد برو، پرچم را از او بگیر و وارد مکه شو.^۵

طبری و ابن اثیر، خبر مربوط به دستگیری جاسوس قریش را توسط علی ﷺ، ذکر کرده و نیز از فرمان پیامبر ﷺ در واگذاری پرچم سپاه را از دست سعد به علی ﷺ آورده‌اند.^۶ براساس این روایات، نقش مؤثر حضرت علی ﷺ، در دستگیری جاسوس کفار و نیز پرچمداری و دعوت مردم به الفت و رحمت، در لیبک به پیام رسول خدا در فتح بدون خونریزی مکه، تصریح شده است.

۳-۱۰- بت شکنی علی ﷺ در نبرد با قبیله طی: از جمله اقدامهای پیامبر ﷺ پس از فتح مکه، پاکسازی خانه کعبه و سایر مراکز از وجود مظاهر شرک و بتها بود. حضرت علی ﷺ نیز در این اقدام انقلابی شرکت داشت و از سوی رسول

خدا ﷺ برای انهدام بعضی بتها مأموریت یافت. ابن هشام در این مورد آورده است: بعضی از اهل علم روایت کرده‌اند که پیامبر ﷺ، علی بن ابی طالب را برای انهدام بت فلس فرستاد که دو شمشیر به نامهای مخذم و رسوب بر آن بسته شده بود؛ علی ﷺ آنها را برداشته به نزد پیامبر ﷺ آورد.^۷

ابن اثیر در روایت کاملی آورده است: در ماه ربیع الاول از سال نهم هجری، پیامبر ﷺ علی بن ابی طالب را برای نبرد، به سوی قبیله طی روانه کرد و به وی فرمان داد که «فلس» را درهم شکنند. او به سوی طی رفت، به آنها حمله کرد، غنیمت و اسیرانی گرفت و بت را منهدم ساخت و دو شمشیر مخذم و رسوب را که حارث بن ابی شمر به آن بت پیشکش کرده و بر آن آویزان کرده بود، گرفت و به نزد پیامبر ﷺ آورد؛ دختر حاتم را نیز به اسیری گرفت و به مدینه آورد که پیامبر او را آزاد کرد.^۸

۳-۱۱- نبرد حنین: پس از فتح مکه، هنوز قبایلی چون هوازن و ثقیف بودند که

(۱) السیره النبویه، ج ۴، ص ۲۷۲-۲۷۳

(۲) تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۱۱۴۳

(۳) الإرشاد، محمد بن نعمان مفید، ترجمه سید

هاشم رسولی محلاتی، ص ۵۱

(۴) تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۸۰۰-۸۰۱

(۵) السیره النبویه، ج ۴، ص ۴۱۰-۴۹

(۶) بنگرید به: تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۱۱۷۷.

(۷) ۱۱۷۸ و ۱۱۸۶: الکامل، ج ۳، ص ۱۰۹۶ و ۱۱۰۱

(۸) السیره النبویه، ج ۱، ص ۸۷

(۹) الکامل، ج ۳، ص ۱۱۵۰-۱۱۵۱

در مقابل دعوت اسلام مقاومت کرده و جنگ حنین را به راه انداختند. مسلمانان که در این زمان تعدادشان افزایش یافته بود، مغرور شده در همان آغاز جنگ از مشرکان شکست خوردند و متواری شدند؛ اما برخی از صحابه ایستادگی کرده سبب بازگشت مسلمانان و تقویت روحیه آنان شدند و سرانجام پیروزی را نصیب لشکریان اسلام کردند؛ از جمله این افراد حضرت علی علیه السلام بود.

طبق گفته ابن اسحاق، از جمله کسانی که در حنین ایستادگی کردند و فرار نمودند، از مهاجران، ابوبکر و عمر، و از اهل بیت، پیامبر صلی الله علیه و آله، علی علیه السلام و عباس بودند.^۱ همچنین آورده است: در حنین، پرچمدار مشرکان بر شتر خود کز و فری داشت، ناگاه علی بن ابی طالب به سوی او رفت. مردی از انصار هم قصد وی کرد. علی شتر را از پشت سر زد و انصاری به آن مرد حمله ور شد و پایش را قطع کرد و او از روی شتر افتاد.^۲

۴- حدیث منزلت: در مورد عدم

حضور علی علیه السلام در غزوة تبوک و ماجرای آن، ابن اسحاق آورده است: رسول خدا در سفر تبوک، علی بن ابی طالب را میان اهل خویش گذاشت؛ منافقان گفتند: برای خلاص از دست او، وی را همراه نبوده است! در این وقت علی علیه السلام سلاح بر گرفته در حرف به رسول خدا رسید و آنچه را که منافقان گفته بودند، به عرض آن حضرت رسانید. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: دروغ می‌گویند، من بخاطر آنچه در پشت گذاشته‌ام تو را در اینجا نگه داشتم؛ برگرد و به جای من میان اهل من و خودت

سوگند دهند که همه کوههای جهان را از جای برکنند، خدا چنان کند. بنابراین دست از مباحله برداشتند و به شرط پرداخت جزیه، با مسلمانان از در صلح و دوستی درآمدند.^۷ از این واقعه مهم که حضرت علی علیه السلام نیز به عنوان اهل بیت پیامبر در آن شرکت داشت، در سیره ابن هشام مطلبی ذکر نشده است، اما ابن اثیر خبر را بطور کامل آورده است.^۸

۷- شأن نزول آیاتی درباره علی علیه السلام:

در مورد منزلت حضرت علی علیه السلام، همین بس که آیات متعددی از قرآن کریم در شأن آن حضرت نازل شده است که در اینجا به برخی از مهمترین آنها اشاره می‌کنیم.

یکی از آیات مهم در مقام علی علیه السلام، مربوط به ماجرای لیلۃ المبيت است. فداکاری علی علیه السلام در شب هجرت رسول صلی الله علیه و آله، آن قدر خالصانه و پر اهمیت

بمان. آیا راضی نیستی که نسبت به من مانند هارون به موسی باشی، جز آن که پیامبری بعد از من نمی‌آید.^۳ در این وقت علی علیه السلام به مدینه بازگشت و رسول خدا به سفر ادامه داد. این خبر را طبری و ابن اثیر بطور کامل آورده‌اند و به حدیث معروف رسول صلی الله علیه و آله در مورد علی علیه السلام اشاره کرده‌اند.^۴ این حدیث، پس از حدیث یوم الدار، از مهمترین احادیث در بیان شأن علی علیه السلام است که به حدیث منزلت شهرت یافته و راویان زیادی آن را در کتب خویش ذکر نموده‌اند.^۵ باید به این نکته توجه داشت که آنچه در کتب مزبور بدان اشاره نشده، آن است که خروج علی علیه السلام از مدینه در پی گفتار منافقان، به خاطر باور این شایعات نبود؛ چرا که وی بیشترین و عمیقترین شناخت را از پیامبر داشت و صدور چنین سخنی را از سوی رسول خدا محال می‌دانست؛ بلکه خروج او از مدینه، بهانه و فرصتی برای اتمام حجت با مسلمانان بود؛ حقانیت مقام وی نیز، در حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله آشکار است.

۵- حضور علی علیه السلام در روز مباحله: از

وقایع مهم تاریخ اسلام در سال دهم هجری، ماجرای مباحله پیامبر صلی الله علیه و آله با مسیحیان نجران است. رؤسای قوم ترسا که در پذیرش آیین جدید مقاومت کرده حقانیت آن را زیر سؤال می‌بردند، به دستور خداوند^۶ و از سوی رسول خدا دعوت به ملاعنه یا نفرین کردن بریکدیگر شدند. در این مراسم، پیامبر صلی الله علیه و آله به همراه علی، فاطمه، حسن و حسین بیرون آمد. وقتی مسیحیان آنها را دیدند گفتند: اینها همان چهره‌هایی هستند که اگر خدا را

(۱) السیرة النبویة، ج ۴، ص ۸۵

(۲) همان منبع، ص ۸۸

(۳) همان منبع، ص ۱۶۳ (أفلا نرضی یا علی أن

تكون منی بمنزلة هارون من موسى، إلا أنه لابی

بعدي)

(۴) تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۱۲۳۴؛ الکامل، ج ۳،

ص ۱۱۴۰

(۵) الغدیر، عبدالحسین امینی، ترجمه اکبر ثبوت

و محمد شریف رازی، ج ۵، ص ۳۳۴ و ج ۱۴،

ص ۱۴ صحیح مسلم، ج ۵، ص ۲۲، حدیث

۲۴۰۴

(۶) آل عمران، ۶۱

(۷) طبقات الکبری، ج ۱، ص ۳۵۸-۳۵۷ تاریخ

الیعقوبی، ج ۲، ص ۸۲-۸۳

(۸) الکامل، ج ۳، ص ۱۱۶۳

بود که مورد ستایش حق تعالی نیز واقع شد و این آیه نازل گشت: «و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله و الله رؤوف بالعباد»^۱.

همچنین آیه: «الذین ینفقون أموالهم باللیل و النهار سراً و علانیه فلهم أجرهم عند ربهم و لا خوف علیهم و لا هم یحزنون»^۲ در مجمع البیان، ذیل آیه مذکور آمده است: از ابن عباس در سبب نزول این آیه روایت شده، علی بن ابی طالب علیه السلام چهاردهم داشت؛ یکی را در شب، دیگری را در روز، سومی را مخفیانه و چهارمی را آشکارا صدقه داد و این آیه در شأن آن حضرت نازل شد. طبرسی گوید: این معنی از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نیز روایت شده است.^۳

در تفسیر المیزان آمده، افراد مختلفی در تفسیر آیه: «و یطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و أسیراً»^۴ از ابن عباس روایت کرده‌اند: این آیه در شأن علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام نازل شده است و در روایتی از ابن عباس آمده: حسنین علیهم السلام بیمار شدند و علی علیه السلام و فاطمه علیهما السلام برای بهبودی آنها سه روز، روزه نذر کردند. وقتی حال کودکان بهبود یافت، آنها به ادای نذر پرداختند. اما هر شب سائلی به در خانه آنها آمد و خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله افطار خود را به او دادند. این ماجرا در سه شب متوالی تکرار شد تا اینکه علی علیه السلام در صبح روز چهارم، به نود پیامبر رفت و رسول خدا با دیدن حالت ضعف در کودکان و گودی چشم فاطمه علیهما السلام ناراحت شد؛ در همین حال جبرئیل نازل گشت و گفت: این سوره را بگیر، خدا تو را به داشتن چنین اهل

بیتی تهنیت می‌گوید. آنگاه آیات را قرائت کرد.^۵

از دیگر آیات مهم در منزلت علی علیه السلام، آیه «إِنَّمَا وَلِیْکُمُ اللهُ وَرَسُولُهُ وَالذِیْنَ آمَنُوا لذِیْنَ یقیمون الصلاةَ وَ یؤتون الزکوةَ وَ هُم راکعون»^۶ است. امامیه معتقدند این آیه در تنصیص ولایت و خلافت آن حضرت است؛ زیرا تنها او انگشتر خود را در حال رکوع به سائل داد.^۷

علاوه بر شأن نزول آیات فوق که به عنوان نمونه ذکر شد، سوره «عادیات» نیز در منزلت علی علیه السلام نازل شده که بشارت پیروزی حضرت در نبرد ذات السلاسل بود و در قسمت جنگهای صدر اسلام به آن اشاره شد. در این موارد، مطلبی در سیره ابن هشام، تاریخ طبری و تاریخ ابن اثیر نیامده است.

۷- حجة الوداع و حدیث غدیر خم:

ابن هشام که اخبار حجة الوداع را از شروع سفر تا پایان مناسک در دوازده روایت دنبال کرده است^۸، در روایت سیزدهم بدون پرداختن به کیفیت مراجعت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدینه، فقط با عبارت «ثم قفل رسول الله»^۹ به برگشت اشاره‌ای کرده و آنگاه از اقامت آن حضرت در بقیه ذی الحجة و صفر در مدینه و اعزام اسامه بن زید برای جنگ با رومیان سخن به میان آورده است؛^{۱۰} و هیچ اشاره‌ای به حدیث غدیر و مسأله امامت و جانشینی علی علیه السلام نکرده است.

طبری و ابن اثیر هم اخبار حجة الوداع را مختصر نوشته‌اند و از مسأله جانشینی و وصایت پیامبر در مورد علی علیه السلام و حدیث معروف غدیر خم هیچ سخنی

نگفته‌اند.^{۱۱} به این ترتیب این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که این منابع، به رغم پرداختن به سیره و زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله که در بعضی موارد حتی کوچکترین جزئیات زندگی آن حضرت را به تفصیل ذکر کرده‌اند - چگونه روزهای زیادی از عمر پیغمبر را - که هر دقیقه و ثانیه آن، با قول، فعل و یا تقریر آن حضرت می‌توانست مبین حکم جدید و دستور العمل تازه‌ای باشد - نادیده انگاشته‌اند و بدون اشاره به حادثه مهمی چون غدیر خم و مسأله جانشینی پس از رسول خدا، به قسمت دیگر پرداخته‌اند؟!

ما مسلمانان معتقدیم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در هیچ شرایطی، جامعه و مردم را از داشتن امام بی‌نیاز نمی‌دید، حتی اگر تعداد آنها اندک و احتمال بروز شکاف و اختلاف، ضعیف بود. رسولی که از بیم اختلاف سه نفر در سفر مأموریت، به آنها دستور می‌دهد تا یک نفر را به عنوان امیر و رئیس خود انتخاب کنند، چگونه ممکن است امت بزرگ اسلام را پس از خود، بدون تعیین سرپرست و زمامدار که در

(۱) بقره ۲۰۷

(۲) بقره، ۲۷۴

(۳) تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۱۳۵

(۴) دهر، ۸

(۵) تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۳۶۴-۳۶۵

(۶) مانند، ۵۵

(۷) تفسیر المیزان، ج ۶، ص ۶

(۸) السیره النبویه، ج ۴، ص ۲۴۸-۲۵۳

(۹) همان منبع، ص ۲۵۲

(۱۰) امامت و رهبری، مرتضی مطهری، ص ۲۱۱

اول آن اشاره کرده‌اند، لیکن از همسفران علی علیه السلام ذکری به میان نیاورده‌اند.

در مرحله پس از هجرت تا رحلت رسول صلی الله علیه و آله؛ ماجرای مؤاخات یا پیمان برادری میان پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام حائز اهمیت است که ابن هشام ضمن ذکر مؤاخات میان مهاجران و انصار، از قول ابن اسحاق این خبر را آورده، لیکن طبری و ابن اثیر آن را ذکر نکرده‌اند.

بنا بر اسناد معتبر تاریخی، دو ماه پس از ورود علی علیه السلام به مدینه، وی با فاطمه علیها السلام تنها فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله ازدواج می‌کند که ابن هشام، طبری و ابن اثیر در این مورد، مطلبی را نیاورده‌اند؛ در حالی که مقام دامادی رسول خدا، مقام و فضیلتی درخور توجه بوده است. درباره حضور سرنوشت ساز علی علیه السلام در اکثر جنگهای صدر اسلام، مورخان مورد نظر، روایت‌های متعددی آورده‌اند که در برخی متون، مختصر و در برخی دیگر کاملتر است. هر سه مورخ در غزوه تبوک، به حدیث منزلت اشاره کرده‌اند؛ و خبر

بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله، مهمترین روایت در منزلت علی علیه السلام، اسلام آوردن وی به عنوان اولین مرد مسلمان بود که هر سه مورخ به آن اشاره کرده و روایت‌های مختلفی پیرامون آن آورده‌اند. ابن اثیر علاوه بر دیگران، به سخنی از خود علی علیه السلام در مسلمان شدن و سبقت وی در ایمان آوردن، استناد جسته است. در مورد نماز گزاردن علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله در دره‌های مکه در دوران بعثت، طبری مطلبی نیاورده، ولی ابن هشام و ابن اثیر مختصری ذکر کرده‌اند.

در مرحله پس از بعثت تا هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله، یکی از مهمترین روایتها در مقام علی علیه السلام، حدیث یوم الدار در جریان انذار خویشاوندان از سوی رسول صلی الله علیه و آله است که ابن هشام آن را از سیره ابن اسحاق حذف کرده و در کتاب خود نیاورده است، لیکن طبری و ابن اثیر آن را به نقل از ابن اسحاق آورده‌اند. بسیاری از مورخان و محدثان و عالمان بزرگ اسلامی بر صحت حدیث یوم الدار اتفاق نظر داشته‌اند آن را نخستین نص پیامبر صلی الله علیه و آله بر جانشینی علی علیه السلام ذکر کرده‌اند.^۵ از دیگر روایات در مقام علی علیه السلام، ماجرای لیلۃ المبیت است که هر سه مورخ آن را بطور کامل ذکر کرده‌اند، اما اشاره‌ای به شأن نزول آیه‌ای در اهمیت این اقدام علی علیه السلام نکرده‌اند. مطلب مهم در مقطع زمانی پس از هجرت رسول از مکه به مدینه سفارش و دستور پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام، در بازگرداندن امانت‌های مسلمانان و آوردن «فواطم» به مدینه است. ابن هشام، طبری و ابن اثیر به قسم

حل و فصل مشکلات مرجع باشد، رها کند و در سلکی منظم در نیاورد؟! در حالی که نص صریح ایشان در واگذاری وصایت و خلافت مسلمانان به علی علیه السلام در حدیث غدیر، نشان از اهمیت مسأله رهبری و پیشوایی مردم دارد.^۱ رهبری امت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله آنقدر مهم بود که خداوند جبرئیل را نزد محمد صلی الله علیه و آله فرستاد، آن حضرت در زمان حیات خویش برای ولایت علی علیه السلام از مردم، شاهد و گواه بگیرد و پیش از وفات خود، وی را امیرالمؤمنین بنامد و نه نفر از اصحاب مشهور و یاران خود را به عنوان شاهد فرا خواند.^۲ همچنین در بازگشت از حج، در غدیر خم به پیامبرش فرمود: «یا ایها الرسول، بلغ ما أنزل إلیک من ربک و إن لم تفعل فما بلغت رسالته...»^۳ پس از ابلاغ خلافت و امامت علی علیه السلام توسط رسول خدا، آیه «الیوم اکملت لکم دینکم...»^۴ نیز بر پیامبر نازل شد که نزول این آیه، به منزله تبریک و شادباش بود و اینکه حضرت با اعلام ولایت، کمال دین را اعلام کرد، همچنین تأکید بر این نکته بود که اگر رسول صلی الله علیه و آله نص ولایت را بر مردم ابلاغ نمی‌کرد، دین اسلام به کمال نمی‌رسید.

نتیجه

حاصل بررسی دقیق و مستند روایت‌های نقل شده در سه متن معتبر تاریخی - سیره ابن هشام، تاریخ طبری و تاریخ ابن اثیر - در مورد فضایل مربوط به حضرت علی علیه السلام و مسأله امامت (حدیث غدیر) و پاسخ به سؤال‌های اصلی تحقیق این است: در مرحله تولد علی علیه السلام تا

(۱) «من كنت مولاه فهذا علي مولاه...» بنگرید به: المسند حنبل، ج ۲، ص ۵۷، احادیث ۶۴۱، ۹۵، ۹۶۱، ۹۶۴ و ۱۳۱۰؛ الاحتجاج، طبرسی، ج ۱، ص ۱۶۰؛ اصول کافی، کلینی، ج ۳، ص ۴۳؛ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱۲
(۲) أمالی، محمد بن نعمان مفید، ص ۲۹
(۳) مائده، ۶۷
(۴) مائده، ۳
(۵) بنگرید به: تاریخ الطبری، ج ۱، ص ۴۷۸؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۳، ص ۲۶۳؛ الاحتجاج، ج ۱، ص ۵۹

جریان مباحله را تنها ابن اثیر آورده است. آنچه دربارهٔ نبرد ذات السلاسل آورده‌اند و به نقش علی علیه السلام در آن سریه اشاره‌ای نکرده‌اند، مورد قبول علمای امامیه نیست. براساس متون معتبر تاریخی شیعه، حضرت علی علیه السلام تنها کسی است که موفق به شکست دشمنان در آن نبرد شد و اهمیت اقدام وی، بقدری است که جبرئیل از سوی خداوند، سورهٔ «عادیات» را در شأن علی علیه السلام نازل کرد. مورخان مورد نظر، دربارهٔ آیات متعددی که در مقاطع مختلف دوران رسالت در مورد علی علیه السلام نازل شده،

اشاره‌ای نکرده‌اند. مهمترین روایتی که هر سه مورخ دربارهٔ آن سکوت کرده و هیچ اشاره‌ای بدان نکرده‌اند، حدیث غدیر و مسأله وصایت و جانشینی علی علیه السلام در ماجرای حجة الوداع است. با توجه به تواتر این حدیث در منابع اهل سنت و شیعه، نمی‌توان این احتمال را مطرح کرد که وقوع چنین حادثه‌ای به ثبوت نرسیده است؛ بلکه احتمال قریب به یقین آن است که محدودیت‌های سیاسی یا عقیدتی، آنها را از ذکر بعضی از وقایع و حقایق تاریخ اسلام بازداشته است. تمامی این مورخان که در زمان عباسیان

می‌زیستند، بطور طبیعی نمی‌توانستند و یا مصلحت روزگار ایجاب نمی‌کرد که اخباری را که پایهٔ حکومت عباسیان را متزلزل می‌ساخت. یا آنها اینطور تصور می‌کردند. و می‌توانست دستاویزی محکم برای مخالفان باشد، در آثار خود بیاورند. نتیجهٔ ارزیابی این آثار، ما را وادار می‌کند تا در مقابل این گونه مورخان که برخی بنیانگذار تاریخ نویسی در اسلام هستند، احتیاط علمی خود را از دست ندهیم.

منابع:

- الاحتجاج: ابو منصور احمد بن علی طبرسی، تعلیق سید محمد باقر موسوی خراسانی، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ۱۴۱۰ هـ، چاپ سوم
- الإرشاد: محمد بن نعمان مفید، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، انتشارات علمیه اسلامیة، ج ۱ و ۲
- اصول کافی: یعقوب بن اسحاق کلینی، ترجمه و شرح سید هاشم رسولی محلاتی، انتشارات چهارده معصوم علیهم السلام
- آمالی: محمد بن نعمان مفید، ترجمه حسین استادولی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۴
- امامت و رهبری: مرتضی مطهری، انتشارات صدرا، ۱۳۶۴، چاپ اول
- انساب الاشراف: احمد بن یحیی بلاذری، تحقیق سید محمد باقر محمودی، مصر، دارالمعارف، ۱۹۵۹ م، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۹۷۴، چاپ اول
- بحار الانوار: محمد باقر مجلسی، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ هـ، ج ۱۹
- تاریخ الطبری (الرسول والملوک): محمد بن جریر طبری، بیروت، مؤسسة عزالدین، ۱۴۰۷ هـ، چاپ دوم
- تاریخ طبری: محمد بن جریر طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات اساطیر، بی تا
- تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران: عزالدین ابن اثیر، ترجمه سید حسین روحانی، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۰ هـ، چاپ اول
- تاریخ الیعقوبی: ابن واضح یعقوبی، للطباعة والنشر دار بیروت، بی تا
- تفسیر المیزان: محمد حسین طباطبایی، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی، ۱۳۷۰، چاپ پنجم
- السیرة النبویه: عبدالملک بن هشام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۳ هـ، ۴ جلدی
- شرح نهج البلاغه: ابن ابی الحدید، ترجمه و تحقیق محمد مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی، بی تا
- صحیح مسلم: ابوالحسن مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری، تحقیق موسی شاهین لاشین و احمد عمر هاشم، بیروت، مؤسسة عزالدین، ۱۴۰۷ هـ
- الطبقات الکبری: محمد بن سعد، لبنان، دار بیروت، ۱۴۰۵ هـ ق
- الغدیر: عبدالحسین امینی، ترجمه اکبر ثبوت و محمد شریف رازی، تهران، نشر کتابخانه بزرگ اسلامی، ۱۳۶۳
- الکامل فی التاریخ: عزالدین ابن اثیر، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۱۴ هـ ق، چاپ چهارم